



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال مایع علوم انسانی
کتاب و کتابخوانی

- یک روز صبح در کتابخانه ۱۹۷۵ / نادین گوردیمر / مریم بیات
- کتابهایی برای گرسنگان / دوریس لسینگ / نهال نفیسی

تلاش برای یکپارچگی نژادی و ایدئولوژیک،
آفریقای جنوبی نژاد پرست را به یکی از
سانسور زده ترین کشورها تبدیل کرد.

چندی پیش در یکی از کتابخانه‌ها صبح عجیبی بر من گذشت. بخش کتابهای مرجع کتابخانه شهرداری یوهانسبورگ بود؛ وارد کتابخانه شدم و تقاضایم را با کتابدار مدد کار و مهربان در میان گذاشتم. سپس به دنبالش به طرف یک قفسه شیشه‌دار رفتم و منتظر ماندم تا قفلش را باز کرد و یک کتاب بزرگ و ورق شده از آن درآورد.

در کنار سایر مراجعه کنندگان کتابخانه پشت یکی از میزهای براق سالن قرائت نشستم. از بودن در میان افرادی از نژادهای مختلف، و از تماشای کتاب خواندنشان حال خوشی به من دست داد؛ آن روزهایی که چندان هم دور نبود حالا رنگ باخته و مسخره به نظر می‌آید، آن روزهایی که در اینجا کار می‌کردم و از اطلاعات مفید کتابدارانی که سفیدپوستها به خود منحصر کرده بودند سود می‌جستم. حالا حداقلش این بود که حصن و حصین تبعیض نژادی در گوشه و کنار شکاف برداشته بود. حالا همه همشهریان یوهانسبورگی ام در محاصره کتابها بودند. یک نفر برای آن که حواسش پرت نشود پشت تلی از کتاب پناه گرفته بود دیگری انگار که فال ورق گرفته باشد چند کتاب رو به رویش چیده و به آنها زل زده بود. دختر جوانی که رو به رویم نشسته بود از کتابها یادداشت برداری می‌کرد، کتابها را دور خودش پهن کرده بود و از این مأخذ به آن مأخذ می‌پرید. آنها بین قفسه‌های کتاب در رفت و آمد بودند، کتابها راه دسته دسته برمی‌داشتند یا سرجایشان می‌گذاشتند، و در میان غژ غژ نیم چکمه‌ها یا قرچ قرچ تخت کرب کفشها، مناسک

دین معبد علم و دانش به جا آورده می‌شد.

فقط من بودم که یک کتاب در مقابلم داشتم. این کتاب تمام صبح مرا به خود مشغول کرد. به تعبیری این کتاب سفرالأسفار بود، محتوایش علیه سایر کتابها بود. کتاب من فهرست یا کوبسن از آثار قابل ایراد^۱ بود که در مورد سانسور در آفریقای جنوبی موثق‌ترین مرجع است. و به این ترتیب فهرست کتابهای ممنوعه را در حالی می‌خواندم که در اطرافم جستجو برای علم و دانش فنی و روشن‌بینی معنوی و لذایذ شعری در جریان بود - آخر من هم مثل بیشتر نویسنده‌ها متخصص نگاه زیر چشمی و استراق سمع هستم، و متوجه و تبیگنشتاین و خود آموزی حسابداری و تفکرات پاسکال و «شعر انگلیسی در قرن هفدهم» شدم.

البته در این فهرست نام آثار مبتذل فراوان است، کتابهای نازک ریز و درشتی که در آدامس فروشها و سیگار فروشها و فرودگاهها توی جا کتابهای گردان سیمی چرخ می‌خورند؛ در عناوین کتابهای ممنوعه با کتابهایی که همه جا در معرض فروش است تفاوتی به نظرم نمی‌آید. حجم آثاری از این دست که عنوان ادبیات را یدک می‌کشند بخش اعظم سانسور را در این مقوله به خود اختصاص داده است. و کتابهایی هم هست که شاید بد نباشد بگویم شانس آوردیم که از داشتنشان محرومیم. دکتر روبین هرگز این امکان را پیدا نخواهد کرد که آنچه همیشه می‌خواستیم دربارهٔ مسائل جنسی بدانیم و جرأت پرسیدنش را نداشتیم برای ما بازگو کند.

«بالاترین ارزیابی ادبی ممکنه» که مدام به مردم آفریقای جنوبی وعده داده می‌شود، چیزی نیست جز جرح و تعدیلهای سانسورچیان دولتی که در نظرشان ادبیات و فیلم و تئاتر ظاهراً برای مقاصد غیر ادبی هم مناسب است. پس طبیعی است که سانسورچیان این ارزیابی را به موارد دیگر هم تسری دهند و واقعاً تشریهای با نوشته‌های وقیحانه، یا نقشهایی مثل مشت بسته و نشان صلح را ممنوع کرده‌اند. بهتر است زحمت یادآوری جوراب شلواری معروف را به خودمان ندهیم؛ یک لیوان هم بود که وقتی پر می‌شد اندام یک زن برهنه را نشان می‌داد. همهٔ اینها در فهرست یا کوبسن هستند.

اما خیلی راحت می‌شود سانسورچیان آفریقای جنوبی را به باد تمسخر گرفت. حماقت توأم با وقارشان مایه‌ی خنده و تفریح ماست - اما همهٔ اینها چیزی از قدرت آنها نکاسته است. واقعیت این است که ما همانطور که می‌دانیم، سانسور در سال ۱۹۶۰ وضع شد و قانون تجدید نظر شده و غلاظ و شداد آن که از اول آوریل امسال [۱۹۷۵] به اجرا درآمد سانسورچیان جدیدالانتخاب را در صورتی که آرایشان مورد اعتراض قرار گیرد، از هرگونه تمسخر یا افشاگری



● نادین گوردیمر

مصون کرده است. حق شکایت به دادگاه علیه ممنوعیت‌های سانسور از نویسندگان سلب شده است و انتقاد از اعضای «هیأت شکایات ویژه» جرم محسوب می‌شود - این هیأت برای رسیدگی به شکایات علیه کمیته‌های محلی سانسور، در درون سازمان سانسور غلم شده است.

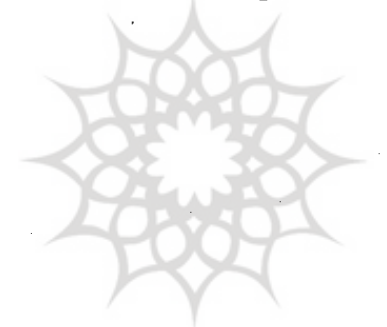
انگشتهایم، صفحه به صفحه، روی عناوینی به پائین می‌شرد که قبل از ماه آوریل توسط «هیأت نظارت بر انتشارات» ممنوع شده بود. این ممنوعیت تقریباً تمام آثار سیاهپوستان آفریقای جنوبی اعم از داستان‌نویس و مقاله‌نویس و چند شاعره از آن جمله لوئیس انکاسی، آلکس لاگوما، ازکیل (خرقیال) امفالیلی و دنیس بروتوس را به انضمام چند اثر از خود من و جک کوپ و ماری بنسون و سی‌جی درایور و آندره برنیک و عده‌ای دیگر، خواه سیاهپوست و خواه سفید پوست در بر می‌گرفت.

نوشته‌های ممنوعه نویسندگان انگلیسی و آمریکایی و اروپایی شامل آثاری بود از کینگزلی امیس، ولادیمیر ناباکوف، برنارد لامود، نورمن هیلر، جان اوهارا، جان مسترز، جیمز بالدوین، ادنا اوبراین، جان آپدایک، فردریک رافائل، جوزف هلر، رابرت پن وارن، گورویدال، هال سویین، جیمز پردی، ویلیام باروز، اریکا یونگ، لنگستن هیوز، دوریس لسینگ، پل ترو، ترومن کاپوتی، آلن سیلیتو، سینکلر لوئیس، ویلیام سارویان، آلیس لوری، فیلیپ راث، یاکوف لیند، جی‌پی دان لیوی، کورت وانگات، جک کروثک. ترجمه‌ها شامل آثاری بود از ژوزف کیسل، ژان پل سارتر،

رومن گاری، آلبرتو مورایوا، کارلوس فوئنتس، روزه پیرفیت، ژان ژنه، فرانسوا ماله - ژوریس، ژونیچور و تانازاکی، آلن روب - گریه، کولت، نیکوس کازانتزاکیس، ژان کوکتو، آلفره ژاری، واسکو پراتولینی، ولادیمیر مایاکوفسکی، مارگریت دوراس، گی دومو پاسان، پی یر لویس. از متفکران معاصر، آثاری از هربرت مارکوزه، اسکارلویس، سالوادور آئنده، ویلهم رایش، لویی آلتوسر، لیشکا کولاکوفسکی.

آثاری که به تازگی توسط سازمان سانسور ممنوع شده هنوز در فهرست یا کویسن درج نشده بود. مثلاً شاهزاده سیاه آپریس مرداک، رنگ سفید و نمره سیاه نوشته واپکو نیسما، خورشید خواهد دمید نوشته ماری بنسون، و آخرین اثر بریتن بریتنباخ. و فردای خیلی جدید و افزایش یافته سانسورچیان ما وسعت فوق العاده دامنه ارزیابی ادبی را نشان داد: با یک ضربه چند جانبه کتاب تاریخ و شعور طبقاتی گئورگ لوکاج و سیزده رقم زیر شلواری مردانه با نوشته‌هایی مثل «لانگ جان سیلور»^۱ (جان سیلور درازه) ممنوع اعلام شد.

اگر حرفم را باور ندارید، خودتان می‌توانید به کتابخانه ما بروید و همه اینها را در سفرالاسفار پیدا کنید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - از شخصیت‌های کتاب «جزیره گنج» نوشته رابرت لویی استیونسن - م -

خانم نادین گوردیمر برنده جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۹۱ است. آخرین رمان او تفنگ خانگی است. مقاله فوق برگرفته از کتاب زندگی در امید و تاریخ؛ یادداشتهایی از قرن ما است که تا اواخر سال ۱۹۹۹ منتشر خواهد شد.